

بررسی ویژگیهای سبکی منشآت وحید قزوینی

وحید رزاقی، حمیدرضا فرضی*، رستم امانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تیر ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۴، صفحات ۴۹-۶۴

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۲۸۷

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: میرزا محمدطاهر وحید قزوینی از شاعران و نویسندگان قرن یازدهم هجری، آثار زیادی در نظم و نثر از خود به یادگار گذاشته است. «منشآت» یکی از آثار منشور اوست. با توجه به جایگاه منشیان در دربار حاکمان، میتوان گفت «منشآت» از منابع مهم مطالعاتی درباره تاریخ، فرهنگ و تمدن ایرانی محسوب میشوند و نظر به اینکه «منشآت» وحید قزوینی تا به حال چاپ نشده است، ضرورت تحقیق درباره آن احساس میشود. هدف از این پژوهش معرفی منشآت وحید قزوینی و بررسی ویژگیهای سبکی آن است.

روش مطالعه: روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

یافته‌ها: منشآت وحید قزوینی از لحاظ محتوایی دارای اهمیت تاریخی بسیار در ارتباط با حکومت صفویان میباشد. ساختار نامه‌ها متشکل است از دیباچه که معمولاً عبارت‌پردازانه و مسجع است. منشآت وحید قزوینی از دیدگاه زبانی بسبب توجه نویسنده به آراستگی ظاهری کلام، بسیار حائز اهمیت است؛ از لحاظ لغوی، کثرت لغات و ترکیبات عربی، ترکیبهای فارسی، کاربرد برخی لغات ترکی، کاربرد مترادفات متعدد، کثرت جمعهای مکسر و کاربرد لغات در معنا و ساختار خاص، جالب توجه است. از لحاظ نحوی، تقدیم فعل، فاصله افتادن بین دو جزء فعل مرکب، آوردن فعل تابع‌پذیر با مصدر مرخم، کاربرد فعل وصفی بصورت مکرر، آوردن مضارع اخباری و مضارع التزامی بدون «می» و «ب»، بکارگیری حروف اضافه در معنای قدیمی آنها، آوردن «را» در معانی مختلف و برخی ویژگیهای نحوی دیگر در منشآت بچشم میخورد. و از لحاظ آوایی انواع سجع، انواع جناس، موازنه و ترصیع، اعنات قرینه، عکس، واج‌آرایی، تتابع اضافات و... برای آراستگی ظاهری و آهنگین کردن زبان، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری: سبک نوشتاری منشآت وحید قزوینی، ادامه سنت منشیان و دبیران درباری است که به شیوه کاملاً فنی و مصنوع نوشته شده و گرایش به سادگی در آن دیده نمیشود. هدف نویسنده فقط بیان معنا نیست بلکه هنرنمایی شاعرانه و خودنمایی در فنی و دشوارنویسی در نثر او بروز دارد؛ باوجوداین، هنوز برخی کهنگیهای زبانی که مربوط به نثرهای مرسل است در متن کتاب بچشم میخورد.

تاریخ دریافت: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۱۴ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۲۹ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۹ مرداد ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

وحید قزوینی، منشآت، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

✉
☎ ۳۱۹۶۰۳۳ (۰۹۸ ۴۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Evaluating the Stylistic Features of Vahid Qazvini's Monshaat

V. Razzaghi, H. Farzi*, R. Amani

Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۲ May ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۴ June ۲۰۲۱

Revised: ۱۹ June ۲۰۲۱

Accepted: ۱۰ August ۲۰۲۱

KEYWORDS

Vahid Qazvini, Monshaat, Stylistic.

*Corresponding Author

✉ hrezafarzi@gmail.com

☎ (+۹۸ ۴۱) ۳۱۹۶۶۰۲۳

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mirza Mohammad Tahir Vahid Qazvini, one of the poets and writers of the ۱۱th century AH, has left many works in poetry and prose. "Monshaat" is one of his prose works. With an approach to the position of secretaries in the court of rulers, it can be said that "Monshaat" is an important source of studies on Iranian history, culture and civilization. Since Vahid Qazvini's "Monshaat" has not been published yet, there is a need for research on it. The purpose of this study is to introduce the Monshaat of Vahid Qazvini and to study its stylistic features.

METHODOLOGY: The research method is descriptive-analytical.

FINDINGS: The Monshaat of Vahid Qazvini in terms of content is of great historical importance in relation to the Safavid government. The structure of letters consists of a prolog, which is usually phraseological and rhythmic prose; the text of the letter, which is less artificial than the prolog; mentions the bearer of the letter and the gifts sent, and finally a prayer for the addressee. Vahid Qazvini's Monshaat is very important from a linguistic point of view due to the author's attention to the adornment features of speech. In terms of lexicon, the multiplicity and combinations of Arabic words, Persian combinations, using some Turkish words, using multiple synonyms, the multiplicity of compound plurals and the use of words in a particular meaning and structure are interesting. Syntactically, the presentation of a verb, the distance between the two components of a compound verb, accompanying the transitive verb with the contracted infinitive, using of a descriptive verb frequently, the introduction of indicative future and possible future without "mi" and "b", the use of prepositions in their old meaning, putting "ra" in different meanings and some other syntactic features can be seen in Monshaat. In terms of phonetics, different types of rhymes, puns, balance and leonine verse, coordinating two or more sentences by observing the rhyme in the last verb of the two sentences, inversion, alliteration, multiple genitive cases, etc. have been used for visual beautification and melody of the language.

CONCLUSION: The writing style of Vahid Qazvini's Monshaat is a continuation of the tradition of court secretaries, which is written in a completely technical and artificial way and there is no tendency in it to be simple. The aim of the author is not only to express meaning, but also poetic art and technical ostentation and difficult writing in his prose; nevertheless, some linguistic antiquities related to Mursal's prose can still be seen in the text of the book.

DOI: ۱۰.۲۲.۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۲۸۷

NUMBER OF REFERENCES



۱۷

NUMBER OF TABLES



۰

NUMBER OF FIGURES



۰

مقدمه

منشآت در لغت جمع مُنشأ از مصدر «انشاء» و به معنای انشاء کرده شده، نوشتجات منشیانه، نوشته‌ها، نامه‌ها و مراسله‌ها است (لغتنامه، دهخدا: ص ۱۹۱۱۷) و در اصطلاح ادبی مجموعه‌ای است از نامه‌های دیوانی یا دوستانه که منشی دیوانی یا نویسندۀ غیردیوانی نوشته باشد (تاریخچه منشآت در ادب فارسی، مهدی‌زاده: صص ۶۷-۶۴). منشآت بعنوان یکی از منابع مهم مطالعاتی درباره فرهنگ و تمدن ایرانی جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و ادب فارسی دارد و از لابلای آنها میتوان اطلاعات مهمی درباره مسائل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی و... کسب کرد. تدوین منشآت گاهی بوسیله خود نویسندۀ و گاهی بوسیله دیگران صورت میگرفت که این کار از زمان غزنویان و توسط بیهقی آغاز شده و در دوره‌های بعد به کمال رسیده است؛ بگونه‌ای که از شعرا و نویسندگان معروف و معتبر چون سنایی، خاقانی، عین‌القضات همدانی، رشیدالدین وطواط و... مجموعه نامه‌ها (منشآت یا مکاتیب) باقی مانده است.

کار تدوین نامه‌ها در دوره صفوی نیز ادامه یافته و یکی از صاحبان منشآت در این دوره، وحید قزوینی (۱۰۱۵-۱۱۱۰ هجری) است؛ صفا درباره او مینویسد: «میرزا طاهر قزوینی متخلص به «وحید» از جمله شاعران و منشیان معروف عهد صفوی بوده که در مراتب دیوانی تا مرتبه صدارت ارتقا جسته است. وی پس از دانش‌اندوزی و کسب مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق وارد خدمت‌های دیوانی گردید و در شمار دفترنویسان دیوان درآمد تا اینکه در دوران صدارت «ساروتقی» وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم، به دستکاری او برگزیده شد و در سال ۱۱۰۱ با لقب اعتمادالدوله وزیر اعظم شاه سلیمان شد» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵/۲: ص ۱۳۴۷). آثار نظم و نثر وحید قزوینی به شرح زیر است:

آثار منظوم: ۱- دیوان، ۲- خلوت راز، ۳- عاشق و معشوق، ۴- فتح‌نامه، ۵- مثنوی آلات جنگی، ۶- در وصف طنبور، ۷- در تعریف نرد، ۸- در تعریف عمارت شاهی، ۹- در وصف همایون تپۀ اشرف، ۱۰- گلزار عباسی، ۱۱- ساقی‌نامه.

آثار منثور: ۱- تاریخ جهان‌آرای عباسی (عباسنامه)، ۲- منشآت، ۳- الاصول الخمسه (اصول‌الدین)، ۴- رساله‌ای در علم حساب، ۵- حاشیه‌ای بر تلخیص مقالات ارسطو از ابن رشد، ۶- مرآت الاعجاز، ۷- خوشنویسی (دانشنامه زبان و ادب فارسی، سعادت: صص ۶۷۳-۶۷۷).

یکی از آثار مهم وحید قزوینی منشآت اوست که علیرغم اهمیتی که دارد تاکنون در ایران به زیور طبع آراسته نشده است؛ نگارندۀ این سطور کار تصحیح این کتاب را براساس نسخه‌های معتبر بعنوان رساله دکتري در پیش گرفته است. در این پژوهش ویژگیهای سبکی آن مورد بررسی قرار میگیرد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و از نظر گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. مسئله و پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که ویژگیهای سبکی منشآت وحید قزوینی کدامند؟ این پژوهش در سال ۱۴۰۰ خورشیدی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به انجام رسیده است.

سابقۀ پژوهش

مطالعات و تحقیقاتی که درباره وحید قزوینی و آثار او صورت گرفته بسیار محدود و انگشت‌شمار است و این موارد هم عمدتاً درباره آثار شعری اوست که بصورت پایان‌نامه و مقاله ارائه شده است؛ از جمله صدرایی (۱۳۸۹) سبک قصاید وحید قزوینی را با آوردن نمونه‌هایی تحلیل کرده است. همو (۱۳۹۱) توصیف را در قصاید او بررسی کرده

است. همو (۱۳۹۵) زبان و ساختار غزلیات او را تحلیل کرده و سبک آن را متأثر از شاعر همعصر، صائب تبریزی و شعرای پیشین بویژه سعدی، انوری و نظامی دانسته است. علاوه بر این موارد، راستگوفر و سام خانیانی مثنوی «خلوت راز» را از لحاظ سبک‌شناسی بررسی کرده و به نوآوریهای ادبی آن اشاره کرده‌اند؛ همچنین منشآت ۶ بار در هند چاپ شده است که سه شماره اول با نام انشای طاهر وحید و سه شماره آخر تحت عنوان منشآت عرضه شده که عبارتند از:

- ۱- هند، بی‌تاریخ، سنگی، وزیری، ۱۲۸ ص. ۲- لکنه‌و، سنگی، وزیری، ۱۸۷۳ م، ۱۸۳ ص.
- ۳- کانپور، سنگی، وزیری، ۱۳۰۹، ۱۸۷ پ ۴ ص. ۴- لکنه‌و، وزیری، ۱۸۶۸ م، ۱۸۳ ص.
- ۵- کلکته، ۱۸۲۶ م/ ۱۲۴۲ ق، سنگی. ۶- نولکشور، لکنه‌و، ۱۸۴۴ م/ ۱۲۶۰ ق، سنگی (فهرست کتابهای فارسی چاپی، مشار: ص ۱۵۱۹).

ملاحظه می‌شود که ماندگاری منشآت وحید قزوینی و توجه به آن در هند حتی تا قرن نوزدهم نیز تداوم داشته است. میزان گستردگی استقبال از منشآت وحید قزوینی در هند به حدی بوده که برای حل مشکلات و غوامض منشآت وی، کتابی تحت عنوان «شرح لغات مشکله انشای طاهر وحید» از نویسنده‌ای ناشناس به رشته تحریر درآمده است (فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، منزوی: ص ۲۶۹). اما درباره آثار منشور او - بویژه منشآتش - در ایران تحقیقی صورت نگرفته است و ما در این مقاله قصد داریم ویژگیهای سبکی آن را بررسی کنیم.

بحث و بررسی

منشآت وحید قزوینی و ساختار کلی آن

منشآت مجموعه نامه‌های (اعم از دیوانی و اخوانی) وحید قزوینی است که به احتمال زیاد در زمان حیاتش جمع‌آوری شده و بنابه اشاره شاملو مورد توجه و اقبال اهل عصر بوده است (قصص الخاقانی، شاملو، ج ۲: ص ۷۱). اینکه خودش نامه‌ها را جمع‌آوری کرده یا کسی دیگر، مشخص نیست. اقبال و توجه علاقه‌مندان به منشآت وحید قزوینی باعث شده است نسخه‌های خطی متعددی از آن ترتیب داده شود. در این میان نسخه‌ای که در این پژوهش اساس کار ما قرار گرفته نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی است که با شماره ۲۲۶۰ نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت آن ۱۱۲۵ هجری قمری و دارای ۶۴۸ صفحه است.

این نسخه بسبب قدمت استنساخ، نزدیکی به زمان حیات نویسنده، اشتغال بر بیشترین تعداد مکتوبات، داشتن خطی خوانا با کمترین غلطهای نوشتاری و املائی و جاافتادگی کلمات، داشتن ترقیمه و نداشتن افتادگی از آغاز و انجام در اثر گذر زمان و تصرفات آن، از نسخه‌های دیگر ممتاز است؛ این نسخه حدود ۱۵ سال بعد از وفات وحید قزوینی استنساخ شده است که شامل ۳۲۴ فایل عکسی است و هر کدام از عکسها دو صفحه و هر صفحه چهارده سطر را در خود جای داده است. میانگین تعداد کلمات در هر سطر دوازده کلمه می‌باشد. این نسخه حاوی دویست و هجده مکتوب فارسی، سی مکتوب ترکی و بیست مکتوب یا دیباچه برای بعضی کتب و یا مکالمه و... به زبان عربی است که تعدادی از آنها عنوان ندارند.

از صفحه ۱ این نسخه تا صفحه ۴۶۹، نامه‌های فارسی و بدنبال آن تا صفحه ۴۹۷، نامه‌های ترکی تحریر شده است. از صفحه ۴۹۷ تا ۵۰۹، تعداد هفت نامه فارسی و سپس تا صفحه ۵۵۴ نامه‌ای بدون عنوان به زبان فارسی نوشته شده است.

دیباجه «مُحَكَّم الحکما» و نامه‌های با عنوان و بدون عنوان دیگر و «مُکَالَمَةُ الْمِسْکِ وَ الرَّمَادِ»، «هَذِهِ رُقْعَةٌ أَلَى بَعْضِ الْخُلَّانِ وَ أَصْدِقَاءِ الْإِخْوَانِ»، «مُکَالَمَةُ السَّيْفِ وَ الْقَلَمِ»، «دیباجه لِرِسَالَةِ الْمَالُوفَةِ فِي عِلْمِ النَّحْوِ» نیز بدنبال نامه‌های مذکور کتابت شده‌اند.

این نسخه ۲۲۹ نامه فارسی دارد که از این میان چهار نامه درباری (سلطانیات)، ۵۶ نامه مربوط به امور اداری و حکومتی (دیوانیات)، ۹۵ نامه دوستانه و خانوادگی (اخوانیات) و ۳۸ مکتوب متفرقه که شامل اسناد حقوقی و قضایی، دیباجه‌ها، گفتارهای علمی و غیره میشود؛ بعضی از این اسناد عبارتند از: عرض حال، آزادنامه غلامان، آزادنامه کنیزان و قبالات نکاح و

دیباجه‌ها و گفتارهای علمی که در ضمن نامه‌ها آمده مشتمل بر این موارد است: شرح یک یا دو بیت از اشعار حافظ، شرحی در بیان مذاهب مختلفه و آرای متنوعه، گفتاری در نکوهش آرای حکما، دیباجه‌هایی بر تصنیفات خود و دیگران و نوشته‌هایی از این دست.

ساختار نامه‌ها

دیباجه نامه‌ها معمولاً با عبارت‌پردازی و انواع قرینه‌سازی و تسجیع و تجنیس و آوردن مترادفات و... آغاز میشود و در متن نامه اندکی از دشواری کلام کاسته میشود. خطیبی درباره این ویژگی منشآت مینویسد: «براز هنر در فن نویسنده، بخصوص در نامه‌های رسمی و دیوانی، ایجاب میکند که نویسنده هریک از ارکان مختلف مکتوب را به تناسب موضوع، به شیوه اطناب و با تعبیر از معانی واحد با الفاظ و عبارات مختلف و مترادفات و استعارات و کنایات و تمثیلات و تشبیهات و دیگر صنایع لفظی و معنوی و گزینش و استعمال شواذ و نوادر لغات چنان بیاراید که خواننده از ظاهر کلام به مفهوم و معنی نپردازد و بدان نیندیشد» (فن نثر در ادب فارسی، خطیبی: ص ۳۵۵).

ساختار نامه‌ها - مخصوصاً مکتوبات سلطانی - در منشآت وحید قزوینی به شرح زیر است:

نامه‌ها معمولاً با دیباجه‌ای در حمد و ستایش پروردگار، مدح حضرت پیامبر (ص) و گاهی یادکرد امامان بخصوص حضرت علی (ع) آغاز میشود. بعد متن اصلی نامه که در موضوعات مختلف است بیان میگردد و گاه به گرفتاریها و اشتغالات فرستنده نامه پرداخته میشود. سپس نام حامل نامه و برخی از تحفه‌های ارسالی ذکر میشود و نهایتاً با دعایی در حق مخاطب نامه، مکتوب به پایان میرسد. اما نامه‌هایی که در جواب نامه دیگری نوشته میشوند معمولاً دارای چهارچوبی متفاوت هستند: دیباجه‌ای زیبا، ادبی و شاعرانه در وصف نامه رسیده، توصیف زمان رسیدن نامه، و گاه توصیف آورنده نامه نوشته، سپس به موضوع نامه رسیده و به درخواست صورت گرفته اشاره میشود و جواب درخواست که قسمت اصلی نامه و متن اساسی آن است نوشته میشود و با ذکر دعا پایان مییابد.

ارزش و اهمیت تاریخی منشآت وحید قزوینی

با بررسی محتوایی مکتوبات وحید قزوینی مشخص میشود که این نامه‌ها از لحاظ تاریخی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی در ارتباط با حکومت صفویان اهمیت زیادی دارند و نوع روابط صفویان با دولتهای همجوار آن عصر از جمله عثمانیها و گورکانیان هند و ... در این نامه‌ها بصورت ضمنی معلوم میشود؛ به این صورت که با توجه به محتوای بعضی از این نامه‌ها، صفویان سعی در حفظ روابط دوستانه با عثمانیها دارند و درعینحال پیروزی بر لشکریان هند در آزادسازی قندهار و اقتدار لشکر ایران را به رخ آنها میکشند.

علاوه‌براین به برخی جزئیات در روابط صفویان با گورکانیان هند اشاره شده است؛ از جمله اینکه در جریان رقابت خونین داراشکوه، فرزند ارشد شاه‌جهان و اورنگ زیب، سوّمین پسر او، که منجر به شکست خوردن و فرار کردن داراشکوه شد، وی در نامه‌ای از پادشاه ایران یاری و پناهندگی خواست تا با مساعدت دولت صفویان، به حکومت پیشین خویش دست یابد. این موضوع بیانگر اقتدار و صلابت دولت صفوی و نقش مهم آن در منطقه است. مضمون برخی از نامه‌ها بیانگر این است که پادشاهان صفوی، جزئیات اتفاقات سیاسی در ممالک اطراف بویژه هند را رصد و از اختلافات فرزندان شاه‌جهان و جنگ‌های خونین آنان بهره‌برداری سیاسی میکردند و قلمرو خود را توسعه میدادند. همچنین از متن بعضی نامه‌ها به یکپارچگی سیاسی و نظامی صفویان و نیز این امر مهم میتوان پی برد که مناطق مختلف ایران و امرای آنها، در انقیاد کامل پادشاهان صفوی بوده‌اند و پادشاهان این سلسله در به حکومت رسیدن متحدان و دوستان خود در کشورهای اطراف نقش داشتند. از نکات مهم دیگر، میتوان به وسعت قلمرو ایران از روم شرقی تا هندوستان، داشتن ثروت بسیار، وجود داراییهای نقدی و جنسی دولت، داشتن سلاحهای جنگی و اسب و سرباز بی‌شمار، رواج کشاورزی و دامداری و وفور نعمت و مهمتر از همه، داشتن روحیه بالا و اطمینان از پیروزی بر دشمنان اشاره کرد.

ویژگیهای سبکی منشآت وحید قزوینی

زبان نوشتاری وحید قزوینی مبتنی بر ایجاد لغات و ترکیبات و تعبیرات جدید و استفاده از زبان ادبی (شاعرانه) است بگونه‌ای که وصف بر خبر رجحان مییابد و سادگی و ایجاز جای خود را به دشواری و اطناب میدهد تا جایی که پیچیدگی و دشواری محسوس‌ترین ویژگی زبان نوشتاری وحید قزوینی است که فهم زبان او را با دشواری همراه میسازد. سطح زبانی منشآت وحید قزوینی از سه دیدگاه لغوی، نحوی و آوایی بررسی میشود.

ویژگیهای لغوی: منشآت وحید قزوینی و در کلّ متون نثر فنی و مصنوع از لحاظ لغات و ترکیبات غنی و پربار هستند؛ چون نویسنده سعی میکند مطلب را با اطناب بیان کند، به کلمات زیادی برای ادای معنی نیاز دارد؛ در این میان در نوشته‌های این نویسندگان از جمله وحید قزوینی با کلمات و ترکیبات متنوع و گوناگون مواجه هستیم که تا حدودی سبک نوشتاری آنها را تبیین میکنند؛ فتوحی درباره جایگاه کلمات و ترکیبات در تعیین سبک مینویسد: «بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع گزینش واژه‌ها میسازد. واژه‌ها، ایستا و منجمد نیستند، بلکه جاندار و پویانند، تاریخ و زندگی‌نامه دارند، حتی شخصیت و شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارند، برخی ثابت و انعطاف‌ناپذیرند و برخی در اثر فشار بافتهای مختلف تغییر شکل و معنا میدهند و جدال و انگیزشی مداوم برای تخیل نویسنده ایجاد میکنند» (سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۲۴۹).

با توجه به دیدگاه ادبی عصر و تلقی‌ای که در درباره‌ها و مکانهای علمی درباره سبک ادبی وجود داشت این نویسندگان سعی میکردند با آوردن واژه‌های متنوع (فارسی، عربی و ترکی) و ابداع و آفرینش ترکیبات و تعبیرات جدید هنرنمایی و نوآوری کنند و بخش عمده‌ای از دشواری این متنها (فنی و مصنوع) مربوط به همین لغات و ترکیبات است؛ منشآت وحید قزوینی نیز از همین سیاق است و او با آوردن لغات متنوع و ابداع ترکیبات و تعبیرات تازه و ترکیبهای اضافی بدیع نوآوری‌هایی کرده است که در زبان‌شناسی از آن به هنجارگریزی واژگانی تعبیر میشود؛ کورش صفوی در این مورد مینویسد: «هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر

ازطریق آن زبان خود را برجسته میسازد و برحسب قیاس و گریز از قواعد هنجار واژه‌های جدید می‌آفریند» (از زبان‌شناسی به ادبیات، صفوی: ص ۴۶۰).

لغات عربی: وحید قزوینی براساس سنت نویسندگان نثر فنی — مخصوصاً منشیان — کلمات عربی را بوفور بکار برده است؛ بگونه‌ای که در یکصد سطر (از سطر اول ص ۵ تا سطر دوم ص ۲۲) حدود پانصد کلمه و ترکیب عربی — بدون احتساب اسامی خاص و با احتساب کلمات مکرر — بکار رفته است.

ترکیبات عربی: فراوانی ترکیبهای عربی از دیگر ویژگیهای نثر منشآت وحید قزوینی است؛ او در لابلای جمله‌ها از ترکیبات کوتاه و بلند عربی استفاده کرده که بعضی از آنها قبل از او هم کاربرد داشته است؛ اما نکته مهم، گرایش و علاقه نویسنده به زبان عربی است که باعث شده کلمات و ترکیبات مختلف عربی را بکار برد؛ نمونه‌هایی از این ترکیبات که از نسخه خطی ۲۲۶۰ منشآت استخراج شده عبارتند از: «صادق‌الولا (۳)، واجب‌الرعايه (۴)، فسح‌الفضا (۴)، صحیفه‌الوداد (۵)، عديم‌الهمال (۵)، فیض‌الانوار (۷)، بالکلیه (۹)، کامل‌الصفات (۱۰)، مرضیه‌السجیات (۱۰)، يوم‌النشور (۱۰)، مقرب‌الحضرة (۱۰)، لازم‌الاعزاز (۱۳)، علی‌اسرع‌الحال (۱۳)، واجب‌الأدا (۱۵)، زبدۃ‌الاشیا (۳۵)، واجب‌الامتثال (۱۸)، متحدالقول (۱۸)، موافق‌العمل (۱۸)، مومی‌الیه (۳۸) و ...».

ترکیبات فارسی: یکی از مهمترین هنرنماییهای وحید قزوینی در نثر منشآت، آوردن ترکیبات فارسی است؛ این ترکیبات که از بهم پیوستن دو کلمه فارسی یا دو کلمه عربی یا یک کلمه فارسی و یک کلمه عربی ساخته شده، در موارد زیادی از تازگی و نوآوری برخوردار و ساخته ذهن نویسنده هستند؛ نمونه‌هایی از ترکیبات فارسی: «تدامت‌پژوه (۴)، خلد مشاکل (۵)، ارم‌نظیر (۵)، فرخنده‌آثار (۷)، آسمان‌رفعت (۸)، قضاقدرت (۸)، خورشیدطلعت (۸)، مشتری‌رایت (۸)، ارم‌تزیین (۹)، صداقت‌انگیز (۹)، سیلاب سرعت (۱۱)، دریاشور (۱۱)، ابدفروغ (۱۱)، مودت‌ختام (۱۱)، عنبرشمیم (۱۱)، غالیه‌نسیم (۱۱)، کدورت‌اندود (۱۲)، حمد سگالی (۱۲)، والا رقیمه (۱۳)، مودت‌عنوان (۱۳)، اکسیرخواص (۱۴)، خورشیدائر (۱۴)، ثعالب‌خدیعت (۱۴)، محبت‌تخمیر (۱۶) و ...».

لغات ترکی: نویسنده در میان لغات فارسی و عربی گاهی از لغات ترکی نیز استفاده کرده است؛ مانند نمونه‌های زیر: «الکا: سرزمین (۱۱۸)، ایلچی (۳۶)، بیگ (۱۰۵)، بیگلر بیگی (۹۹)، اویماق: قوم و قبیله (۴۷۶)، اتالیق: لالا و مؤدب (۲۹)، چوله: نام قومی از ترک (۵۳)، ایلغار (۷۲)، تخافو: مرغ (۱۰۴)، لیل (۱۰۴)، لیت لیل: سال سگ (۱۰۵)، اوجاق: آتشدان (۱۰۶)، ایشیک آقاسی: حاجب دربار (۱۵۶)، اکدش: دو چیز که باهم مخلوط و ممزوج شده باشند (۲۷۶)».

مترادفات: آوردن کلمات مترادف یکی از امکانات زبانی است که نویسنده نثر فنی از آن برای بیان معنا استفاده میکند؛ البته این کار باعث اطناب در کلام میشود. «اساس استفاده از مترادف آن است که انسان به برکت امکانات زبانی، میتواند وضعیت امر موضوعی را که موجودیتی خارج از زبان دارد از رهگذر زبانی به شیوه‌های متفاوت ابراز کند» (درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، عبادیان: ص ۳۴).

وحید قزوینی مانند سایر نویسندگان نثر فنی در نوشتن منشآت از مترادفهای زیادی استفاده کرده است؛ مانند: «دوستی و ولا (۵)، مودت و وفاق (۵)، والایی و ترقی (۳)، عظمت و اجلال (۳)، مجادله و محاربه (۴)، ائتلاف و اتفاق (۵)، مقاصد و مآرب (۹)، ارتحال و انتقال (۱۲)، متلاشی و متفرق (۱۲)، بی‌بقایی و بی‌ثباتی (۱۲)، گل‌آلود و کدورت‌اندود (۱۲)، مظاهرت و معاضدت (۱۴)، امداد و اعانت (۱۸) و ...».

علاوه‌بر مترادفات لغوی، مترادفات ترکیبی نیز در ساختار زبان بکار میرود و امکانات زبانی را تقویت میکند؛ «مترادف در زبان سطحهای گوناگون دارد. تنها واژه‌ها نیستند که استعداد بیان مترادف واقعیتها را دارند؛ در هر

زبانی عبارتهای متشابه نیز وجود دارد که میتوانند نقش مترادف ایفا کنند؛ همچنین مترادفهای متفاوتی هستند که به صورتهای گوناگون بکار میروند. ازاینرو به دسته‌های متمایز تفکیک میشوند» (همان: ص ۳۸). اینگونه مترادفها نیز در منشآت از بسامد بالایی برخوردار هستند؛ مانند: «پرده اختفا و نقاب خفا، (۱) ذریعه یکتادلی و رقیمة یکجهتی (۳)، ساعتی مسعود و زمانی محمود (۵)، افراد موجودات و آحاد مکونات (۱۲)، نظر تحقیق و دیده تأمل (۱۲)، نسیم گلشن خلّت و مؤالفت و شمیم بهارستان صداقت و مودّت (۳۳) و ...».

جمعهای مکسر: نویسنده منشآت که در کاربرد کلمات عربی دستی باز دارد، جمع مکسر را بعنوان یکی از انواع امکانات و ابزار زبانی با بسامد زیاد بکار برده است؛ مانند: «انفاس (۱)، اخلاف (۱)، سلاطین (۱)، اسلاف (۱)، روایح (۱)، الحان (۱)، مذاهب (۱)، اثمار (۲)، اقدام (۲)، الطاف (۴)، اجناس (۴)، الواح (۵)، آمال (۵)، غیوم (۶)، شوایب (۸)، مقاصد و مآرب (۹)، ازاهیر (۹)، سنین و شهور (۱۰)، عساكر (۱۰)، ازهار حدایق (۱۱)، مناشیر و فرامین (۱۳)، أشغال (۱۴)، انوار اغصان (۱۶)، حروف و نقوش (۱۶) و ...».

و در مواردی چند جمع مکسر را پشت‌سرهم آورده است: دقایق حقایق روایح (۱۶)، سوافل روابط سلاطین جنت مکین (۹۳)، انواع حیل و تدابیر (۱۳۹) و بینایان رموز انفس و آفاق (۱۷۲).

کاربرد لغات در معنا و ساخت خاص: وحید قزوینی در مواردی، لغاتی را در معنا و ساختی که خاص خود نویسنده است بکار میبرد و دست به نوآوری و گاه هنجارگریزی میزند؛ مانند: «امتداد = ادامه (۱۰۰)، متصل = پیوسته (۹۹)، جمعیت = جمع شدن (۹۶، ۹۷، ۱۰۰)، مقاطر = قطره‌ها (۹۱)، ایستادگان = بندگان (۹۱ و ۹۳)، الحال = حالا، الآن (۹۲)، حین = وقت، زمان (۹۰)، یک‌چند = مدّتی (۸۷)، مستمال = دلخوش کرده شده (۹۸)، (۸۱)، یکجهتی = یک‌رویی، صداقت (۸۵ و ۸۶)، صوب = سمت (۷۹ و ۸۴)، زیاده = بیش (۷۹)، وحشت = رمیدگی (۷۸)، کیش = دین و آیین (۷۵)، خلوتکده (۸۲)، اخلاص‌مندی (۸۶)، بی‌تکلفله (۹۳)، خمکده (۱۶۲)، وارسیدگی (۱۶۳)، وارسیدگان (۱۶۸)، خجلت‌آباد (۱۷۰)، آتش‌دستی (۱۷۱)، مجلس‌طراز (۱۶۲)، امین‌نما (۱۷۲)، روزنامه‌چه (۱۷۴) و ...».

علاوه‌بر این موارد، او مصدر «گشتن» و مشتقات آن را در معنای «شدن» و مشتقات آن، مصدر «نمودن» و مشتقات آن را در معنای «کردن» و مشتقات آن، فعل «ساخت» را در معنای «کرد» و فعل «پوشند» را در معنای «پوشاندن» بکار برده است:

- توفیقات یک جهتان منشأ ابتهاج دوستان میگردد. (۴)

- ابواب اقتدار مسدود و باطل گردد. (۸۹)

- دولتی که مصقل حکمت بالغه جناب کبریا زنگ زادیی آن نموده باشد. (۹۵)

- ... نوعی نمایند که آهنگ قانون موافقت و دینداری سامعه‌افروز جهانیان گشته ... (۸۹)

- ظاهر است که لآلی مضامین حقیقت آیین را زیور حسن قبول خواهند ساخت. (۹۰)

- ... مطالب لازم الاظهار را با مرغوبات و مکنونات ضمیر مخالفت تخمیر، پیرایه آنها و اعلام پوشند. (۹۰)

ویژگیهای نحوی

فعل

— تقدیم فعل: «و تا مدّت شش ماه که عساكر نصرت‌مآثر از اطراف و اکناف ولایات ممالک محروسه که بحری است بیکران و دریایی است بی‌حدّ و پایان، جمعیت نمایند» (۹۷). «دور گردان اضداد را از جامه خانه صنعتش

لباس اتحاد تألیفی خلعتی است شایسته بر دوش و میگساران میکده عرفان را فروغ مهر منیر بادهای است مدام در جوش ...» (۶۷).

— فاصله افتادن بین دو جزء فعل مرکب: «بینایان رموز... در مرآت رضا تماشای حسن وقوع احکام قضا مینمایند» (۲). «که مراعات این امر وقیع که منشأ رفاه حال شریف و ضیع و رفع مفاسد فطیع است نماید» (۹۳).

— فعل تابع پذیر با مصدر مرخم: «پردۀ اختفا و نقاب خفا از جمال مخدرات ازهار اظهار مطلب تواند گشود» (۱). «کشتی حیات انسانی از صدمۀ چار موجه این بحر طوفانی ایمن توانستی شد». (۵۲)

— آوردن فعل وصفی بصورت مکرر: «از کار خود متنّب نگردیده... این معنی را فوزی عظیم شمرده در بردن نقب... سعی بلیغ نموده دقیقه‌ای فوت و فرو گذاشته ننموده» (۹۶).

— فعل داعی با «الف» ماقبل آخر: «لوح آمال... آن زینت‌افزای وسادۀ جاه و جلال را... مصوّر و شمع آن خسرو عیدم‌الهمال را ... منور دارد». (۵)

— ماضی نقلی مستمر: «در حینی که آن سفرگزین ملک‌بقا را کارکنان قضا، عطف عنان از دار غرور به سرای سرور می‌فرموده‌اند» (۵۴) «بنیان مودتشان به انتظام اسباب آمیزش و التیام دائمی مشید و مستحکم میبوده». (۸۶)

— مضارع اخباری بدون «می»: «مؤکد مودّت و مشید بنای استوار یکتادلی شناسند (= میشناسند)». (۷۸) «در طیّ تحصیل مطالب آنچه شایسته اعلام دانند (= میدانند) به سراجۀ اظهار درآورند». (۸۴)

— مضارع التزامی بدون «ب»: «شخصی را ... نزد آن زینبندۀ اورنگ سلطنت فرستد (= بفرستد)». (۵۴) «به عون عنایت الهی کارگزاران دولت ابد مقرون شرف حصول بخشند (= ببخشند)». (۸۴)

— کاربرد صیغۀ متکلم وحدۀ «یعنی»: «مستغرق بحار رحمت حضرت آفریدگار اعنی سرچشمۀ مجد و برتری». (۶۳) «شمایم بهارستان یک جهتی و اختصاص اعنی نامۀ مخالفت‌نشان صداقت‌عنوان». (۹۰)

حروف اضافه

— حرف اضافه «بر» در معنای تأکید و کثرت: «به نیروی اصابت تقدیر... سامعه‌افروز گشته مسرت بر مسرت و خوشدلی بر خوشدلی افزود». (۷۰)

— حرف اضافه «به» در معنای «با»: «خامۀ سخن طراز را به (=با) ذکر مجملی از مراتب یکتادلی سلاطین سلف رطب‌اللسان میسازد». (۷۰) «به (=با) مشعله تیغ بی‌دریغ تدارک و تلافی عرصۀ آمال... را ضیا و صفا بخشد». (۸۳)

— حرف اضافه «از» در معنای سببیت: «و قوایم سریر سلطنت آن سلسلۀ متفرق‌البنیان از (= به سبب) سیلاب حوادث در انقلاب زوال است». (۸۳)

— حرف اضافه «در» در معنای «برای»: «به موافقت تمام در (=برای) تحصیل نام و تدمیر اعادی بدفرجام کوشیده...». (۸۳)

— حرف اضافه «به‌جهت» در معنای «برای»: «در این وقت به‌جهت (= برای) تشیید مبانی الفت و وداد... کتابدار خاصۀ شریفه را روانه آن صوب صواب انجام فرمودیم». (۸۴)

— حرف اضافه «لهذا» به جای «بنابراین»: «لهذا مشارالیه را بدین امر لازم الادا مأمور فرمودیم». (۸۴). «لهذا اعدای کم فرصت را... دست جرئت... بریده». (۸۳)

— انواع «را»

— «رای مفعولی»: «شراب مرارت آمود نیستی را چشیدنی و بساط قیمتی حیات را پیچیدنی و برجیدنی داند». (۵۳)

— «را» در معنای مالکیت: «در ساعتی مسعود و زمانی محمود که شاهد کامجویی را پیرایه تمامی در بر و ساقی آمال را باده وصول و حصول در ساغر بود (= شاهد کامجویی، پیرایه تمامی در بر داشت و ساقی آمال، باده وصول وصال در ساغر داشت)» (۵).

— «را» در معنای حرف اضافه «برای»: «و چون هریک نعماء الهی را (= برای) شکری خاص میباشد». (۷۳) «یاجوج فتنه را (= برای) در عرصه مملکت هریک از ایشان، خیال مرور و عبور، محال... مینمود» (۸۶).

— «را» در معنای فک اضافه: «احدی را این خیال در خاطر (= در خاطر احدی، این خیال) خطور نتواند نمود» (۷۷). «تا از نتایج اتصالات اجرام علوی و امتزاجات امهات سفلی، خوش‌نشینان موالید را حال (= حال خوش‌نشینان موالید) منتظم است». (۷۵)

— حذف «را»: در طی تحصیل مطالب آنچه (= آنچه را) شایسته اعلام دانند به سراچه اظهار درآورند». (۸۴)

— تثبینه کلمات به شیوه زبان عربی: طرفین و جانبین (۷۶)، عدلین (۹۲) و ...

— جمع بستن کلمات با «ین»: انبیای مرسلین و ائمه راشدین و سلاطین ماضین (۵۲)، ساکنین و قاطبین (۲۷)، محصورین (۳۳).

— جمع بستن کلمات فارسی با «ات» عربی: نوازشات (۹۵).

— جمع بستن کلمه «سجده»: «به مژده این فتح مبین سجدهات شکر الهی به تقدیم رسانیده». (۹۸)

— جمع بستن کلمه «بی‌عاقبت» با «ان»: «جمعی غفیر از آن بی‌عاقبتان را آواره دیار عدم میگردانند». (۹۷)

برخی ویژگیهای نحوی دیگر

— آوردن «و» عطف، بین چند کلمه که نسبت مشترک دارند: «ولد رشید خود را با سعدالله خان و بهادرخان و رستم‌خان دکنی و قلج‌خان و نجابت‌خان و حنجرخان و الله‌قلی‌خان با عدتی تمام... روانه گردانید». (۹۹)

— بکار بردن صفت فاعلی مرکب مرخم: چمن‌آرا و بوستان‌افروز (۶۰)، لذت‌یاب و کام‌ستان (۷۶) و ...

— بکار بردن صفت مفعولی مرکب مرخم: شربت مرارت‌آموز زوال و فنا. (۸۸)

— بکار بردن «ی» نسبت در معنای صفت فاعلی: «و از موضوع و محمول شاخ و ثمر، تماشااییان (= تماشاگران) باغ قدرت را کام معرفت شیرین فرموده». (۵۹) «... پسندیده دیده دریافت جوهریان (= جوهرشناسان) دانش و صیرفیان (= صرافان) بینش میباشد». (۷۵) و ...

— ساخت مصدر از اسم فاعل: معلم + ی؛ «و گروهی که به معلمی (= تعلیم) لطف تیر دانی شرح کهن اوراق ایام را خوانده». (۵۳)

— آوردن صفت عالی با «ین» بجای «ترین»: بهین (= بهترین) تحفه (۵۳).

— بکار بردن صیغه افعال تفضیل عربی: امر اهم (= مهمتر) (۷۷)، وجه اتم (= تمامتر، کاملتر) (۷۵)

— **تکرار «که» و «آنکه»:** «که در هنگامی که ...» (۸۲) «که به دستوری که ...» (۹۴) «که از روزی که ...» (۹۸) «مبین این مقال آنکه بعداز آنکه والی هندوستان دو نوبت در مقام استرداد دارالقرار قندهار درآمده ...» (۹۵).

— **«آن» یا «این» + صفت = موصوف:** «به مصقل تیغ درخشان، زنگ‌زدای وجود آن ظلمت‌سرشتان (= دشمنان) گردند» (ص ۹۷). «... به مژده‌رسانی استقامت احوال فیروزی اشتمال آن عالی‌جاه (مخاطب نامه) خاطر مهر فروغ اشرف را قرین انبساط و اطمینان گرداند» (۸۸).

ویژگیهای آوایی

سطح آوایی همان سطح موسیقایی متن است که در آن متن بلحاظ ابزار موسیقی‌آفرین بررسی میشود و آرایه‌هایی چون انواع سجع، انواع جناس، انواع تکرار و... مورد توجه قرار میگیرد (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۳). «بررسی قلمروهای آوایی زبان متن، با عنوان «سبک‌شناسی آوایی» شناخته میشود. آواها در گفتار و نوشتار، بارزترین تفاوتها را در سطح فیزیکی و مادی زبان نشان میدهند. سبک‌شناس از رهگذر شناسایی تفاوتها و دگرگونیهای آوایی، مسائل مختلفی را جستجو و تبیین میکند؛ مثل تأثیرات زیبایی‌شناسیک آواها در سخن ادبی، تعلق سخن به ادوار مختلف تاریخی و ...» (سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۲۴۳). یکی از ویژگیهای متون نثر فنی، جنبه آهنگین بودن متن است که برای خلق آن از عناصر موسیقایی متن از جمله صنایع لفظی استفاده میشود؛ در منشآت وحید قزوینی نیز بار موسیقایی متن را همین صنایع لفظی به دوش میکشند که نویسنده با بکارگیری آنها نثر آهنگین ارائه میکند؛ این عناصر عبارتند از:

— سجع

در منشآت از سجع، بسیار استفاده شده است - بخصوص در قطعات توصیفی. سجعها در منشآت اکثراً دو قرینه‌ای هستند البته بندرت بیش از دو قرینه تا چهار قرینه نیز بکار رفته است.

— **سجع متوازی:** «گل‌های اردیبهشت را نعل شتاب در آتش است که جا بجهت اثمار گشایند و اقدام سیول بهاری از قطره زدن آبله داراست که بر مایه نشو و نمای نونهالان افزایند». (۲)

— **سجع مطرب:** «ملال و شادکامی و اندوه و کامرانی چون گل‌های رعنا از شاخسار زندگانی با هم شکفته و شدت و رخا مانند بادام دو مغز در آغوش هم خفته». (۲)

چنانکه ذکر شد نویسنده گاهی سجعهای پی‌درپی آورده مانند: «چون سر رشته قبض و بسط امور و وقوع حوادث و سوانح نزدیک و دور، در قبضه اختیار و اقتدار مدبر سنین و شهر و کارپرداز مصالح جمهور است در اثناء روانه شدن مقرب الحضرة مربور، خبر رحلت مسافر راه دور یوم النشور اعنی والی بیکران هندوستان به مسماع جاه و جلال رسید» (۲۰).

— **جناس:** بسامد کاربرد جناس در منشآت از سجع و موازنه و ازدواج کمتر است؛ در میان انواع جناس، بسامد جناس مضارع از بقیه بیشتر است.

— **جناس تام:** «بی نیل مقصود نیل بدنای بر جبین احوال خود کشیده». (۹۵)

— **جناس ناقص:** «گوهری چند فروزان در مخزن بیان درج نموده، این درج را مهری جز مهر بکارت دوشیزگان سخن نیست». (۳۴۹)

— **جناس مضارع:** «کشف استار را آینه اسرار ساخته‌اند». (۶۳)

— **جناس لاحق:** «سردار ظفر شعار با عساکر بی‌شمار به عدد اوراق اشجار و قطرات امطار متوجه تخریب آن دیار گردند». (۹۹)

— **اشتقاق:** «اهل مشرب را شراب ریحانی ریاحین در جام». (۳۵۰) «ناظم مناظم سلطنت و بانی مبانی صداقت». (۶۱)

— **موازنه و ترصیع:** موازنه و ترصیع نقش زیادی در آهنگین کردن کلام و تناسب بین الفاظ دارند؛ به همین جهت نویسنده منشآت از این آرایه‌ها بسیار استفاده کرده است و در قرینه‌سازیها غالباً موازنه و گاهی هم ترصیع را بکار برده است؛ مانند: «ازهار اظهار موافقت و مخالفت و انوار اغصان یگانگی و مؤالفت اعنی نامه محبت آغاز مودت انجام و مکتوب اتحاد اسلوب بلاغت نظام ...». (۱۶)

— **ازدواج (اعنات قرینه و تضمین مزدوج):** «رقیمه یک‌جهتی مشتمل بر تهنیت و تعزیت ارسال مجلس سامی و محفل گرامی گردد». (ص ۳)، «در حین ورود نامه اعجاز طراز لازم‌الاعزاز مناشیر و فرامین به اطراف ... فرستاده». (۱۳)

— **عکس:** «بر ذمت همت شاهانه فرض عین و عین فرض بود». (۹۶)

— **واج‌آرایی: حرف س:** «بسامد گسترده آن مسافران خطایر قدسی به اسلوبی خاص ممهّد شود». (۱۹)، «در بزم‌افروزی مجلس انس دوستان تاسی به سنت سنیه جد امجد والاشان خود نمایند». (۷)

— **تنسیق الصفات:** «در این ایام خجسته آغاز فرخنده‌فرجام شوق زیارت آستانه مقدسه منوره مطهره رضیه رضویه علی ساکنها الف سلام و تحیه سلسله‌جنبان گشته ...». (۲۷)

— **تتابع اضافات:** از مواردی است که در نثر منشآت زیاد بکار رفته است؛ با اینکه در کتب بلاغت قدیم آن را از عیوب فصاحت کلام شمرده‌اند، به علت اینکه باعث آهنگین شدن کلام میشود، باید آن را جزو محسنات کلام بحساب آورد؛ نمونه‌هایی از کاربرد تتابع اضافات در منشآت: «جان‌داروی قالب افسرده ارباب کمال (۲۸۱)، مصقل مرآت مطلب‌نمای دولت‌خداداد (۶۹)، یک برگ از حدیقه صنع نخل طراز گلشن ایجاد اشیاست (۵۹)».

ویژگیهای فکری: باوجود اینکه منشآت مجموعه نامه‌های وحید قزوینی است و موضوع آنها عمدتاً درمورد امور حکومتی و مسائل دوستان است، نشانه‌هایی از برخی تراوشات فکری وحید قزوینی را در این کتاب میتوان ملاحظه کرد که در ادامه به شرح آنها میپردازیم.

جبرگرایی: گرایش به جبر یکی از مسائلی است که در موضوعات مختلف شعری و متون نثر در اندیشه‌های شاعران و نویسندگان رسوخ کرده و تأثیر گذاشته است. منشآت وحید قزوینی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بگونه‌ای که وحید قزوینی در موارد مختلف از قضا و قدر الهی سخن رانده و ناگزیری و ناگزیری انسان و سایر موجودات در برابر آن را امری محتوم شمرده است؛ از جمله: «به مقتضای حکم محتوم قضا و فحوای حکمت بالغه خالق ارض و سما برگریز هر خزانی فراش راه سلطان بهاری و گریه هر سحابی شاهدان چمن را سرمایه خنده سرشاری است» (ص ۲). گرایش به جبر باعث میشود حتی اتفاقات تاریخی را به گردش روزگار و نیرنگ چرخ نسبت دهد: «آنچه از تقالیب ادوار و ازمان و شورش احوال و اوضاع هندوستان و نیرنگی چرخ گردان زبانزد خامه فصیح‌البیان شده بود در مرآت‌ضمیر والا جلوه عیان نمود» (ص ۶). در جای دیگر باز نویسنده همه امور را ناشی از اراده حق میدانند: «چون سر رشته قبض و بسط امور و وقوع حوادث و سوانح نزدیک و دور در قبضه اختیار و اقتدار مدبر سنین و شهور و کار پرداز مصالح جمهور (خدا) است» (ص ۱۰).

اطلاعات عرفانی: وحید قزوینی مثل اکثر شعرا و نویسندگان از تأثیر عرفان و تصوف در افکار و اندیشه‌هایش دور نمانده و از اصطلاحات آن برای تبیین افکار خودش بهره گرفته است؛ او در تبیین قدرت خداوند و هدایت و راهنمایی او مینویسد: «سالکان ظلمتکده امکان را که سرگشتگان تیه حیرتند، به میانجی ضیاء شموع عقول انبیا و سلاطین به صراط مستقیم اطمینان و انتعاش دلالت نمود» (ص ۲۵).

یا به تأثیر قدرت خداوند در پرورش ریاحین اشاره کرده و از اصطلاحات عرفانی بهره گرفته است: «نکته ریاحین بستان را که هر یک لباس امتیاز جداگانه دربر دارند، از گردش پیمانه نسیم بهاری در ساحت گلستان وجد اتحاد آموخت» (ص ۲۵).

تعلقات مذهبی: نویسنده در موارد متعدد تعلق خاطر خود را به مذهب شیعه و اعتقادات آنها نشان داده است؛ از جمله در یکی از نامه‌ها ضمن ستایش حضرت علی علیه‌السلام (ع) به حدیث ولایت اشاره کرده است: «و ثنای بی‌منتها پای‌انداز نام برگزیده‌ای که حدیث صحیح من کنت مؤلاه از دفتر خلافتش آیتی و مژده انت منی از داستان قدر و منزلتش حکایتی است...» (ص ۶۸). یا در عبارت زیر از اشتیاق خودش برای زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه‌السلام صحبت کرده است: «درین ایام خجسته‌آغاز فرخنده‌فرجام، شوق زیارت آستانه مقدسه منوره مطهره رضیه رضویه علی ساکنها الف الف سلام و تحیت، سلسله‌جنبان گشته ...» (ص ۲۷).

استدلال برای ناگزیری مرگ با استفاده از طبیعت: وحید قزوینی در یکی از نامه‌ها که به مرگ کسی اشاره کرده به ناگزیری و ناچاری مرگ پرداخته و با آوردن تمثیل از طبیعت آن را برای ادامه حیات ضروری دانسته است: «هرگاه به نظر تحقیق و دیده تأمل ملاحظه کرده شود این امور مکروه‌نما [مرگ] در کارخانه حکمت بالغه مصلحت‌سنج امور، عین خیر و محض صلاح و صواب است چه تا گریبان اکمام به دست نسایم بهاری چاک نگردد و دانه از اوج عزت به میانجی هارثان در مغاک نرود، شکوفه را اکلیل اعتبار بر سر گذاشته و سبزه را علم سبز از خاک برداشته نمیگردد» (ص ۱۲).

اطلاعات نجومی: وحید قزوینی برای تبیین اتفاقات تاریخی از مسائل نجومی کمک گرفته است؛ از جمله برای تبیین و توضیح شکست مخاطب نامه، آن را با کسوف خورشید مقایسه کرده است: «بر خاطر خطیر معلی که آینه حقایق‌نمای اشیاست روشن است که مهر فروزان را وقوع کسوفات و احتجاب غیوم متراکمات که بعضی اوقات احتمال آن به مقتضای حرکات ناهنجار چرخ دوار ناچار است موجب نقصان ضیاء و بهاء و منشأ زوال فروغ جهان‌آرا نمیشود» (ص ۶).

نتیجه‌گیری

سبک نوشتاری منشآت وحید قزوینی، ادامه سنت فنی‌نویسی و متکلفانه منشیان و دبیران درباری است که کوچکترین گرایشی به سادگی در آن دیده نمیشود. هدف نویسنده هنرنمایی شاعرانه و خودنمایی در مصنوع و متکلفانه نوشتن است و بیش از معنا، به لفظ توجه دارد. این کتاب بخصوص از لحاظ لغوی حائز اهمیت است؛ چراکه نویسنده از لغات و ترکیبات عربی، ترکیبات فارسی، برخی لغات عربی، مترادفات لغوی و ترکیبی متعدد در نثر خود بهره گرفته است که در میان آنها ترکیب‌سازی او، که حاصل پیوند لغات فارسی و عربی است و در موارد زیادی از تازگی و نوآوری برخوردار است، دارای برجستگی و اهمیت است. از لحاظ نحوی برخی کهنگیهای زبانی که مربوط به نثرهای مرسل است در متن کتاب خودنمایی میکنند؛ مانند: بکار بردن «را» در معانی مختلف، آوردن حروف اضافه در معانی قدیمی (نثر مرسل)، بکار بردن برخی افعال به شیوه نثر مرسل و برخی ویژگیهای

نحوی دیگر. از لحاظ آوایی بدلیل توجه نویسنده به آراستن ظاهر کلام و آهنگین بودن نوشته از انواع سجع، انواع جناس، موازنه، ترصیع و سایر آرایه‌های لفظی استفاده شده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی، مصوّب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز استخراج شده است. جناب دکتر حمیدرضا فرضی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای وحید رزاقی بعنوان پژوهشگر این رساله، در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. جناب دکتر رستم امانی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی نقش مشاور این پژوهش را ایفا کرده‌اند. در نهایت تحلیل محتوای این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و هیأت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند. از مدیر مسئول و هیأت تحریریه مجله بهار ادب که در پیشبرد اهداف زبان و ادبیات فارسی تلاشهای صادقانه میکنند سپاسگزاریم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله، گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Dehkhoda, A. (۱۹۹۴). Dehkhoda Dictionary. Tehran: Tehran University Press, p. ۱۹۱۱۷.
- Ebadian, M. (۱۹۹۳). An Introduction to Stylistics in Literature. Tehran: Avaye Nour, pp. ۳۴-۳۸.
- Fotouhi, M. (۲۰۱۲). Stylistics; Theories, approaches and methods. Tehran: Sokhan, pp. ۲۴۳-۲۴۹.
- Khatibi, H. (۱۹۹۶). The Art of Prose in Persian Literature. Tehran: Zavvar, p. ۳۵۵.
- Mehdizadeh, M. (۱۹۹۹). History of Monshaat in Persian Literature. *Keyhan Farhangi*, Vol. ۱۵۴, pp. ۶۴-۶۷.
- Monzavi, A. (۱۹۸۶). Joint List of Persian Manuscripts of Pakistan, Islamabad, p. ۲۶۹.

- Moshar, Kh. (۱۹۶۳). List of Persian printed books. Tehran: Book Translation and Publishing Company, p. ۱۵۱۹.
- Rastgufar, M & Sam KHaniyani, M. (۲۰۱۱). Stylistics of Masnavi Khaloot Raz Vahid Qazvini and his literary innovations, *Stylistics of Persian Poetry and Prose*, Vol. ۱۲, pp. ۵۳-۷۳.
- Sa'adat, E. (۲۰۱۶). Encyclopedia of Persian Language and Literature. Tehran: Academy of Persian Language and Literature, pp. ۶۳۷-۶۷۷.
- Sadraei, R. (۲۰۱۰). A Journey in the Divan and Style of Poems by Vahid Qazvini. *Journal of Culture and Literature*, ۶ (۱۰), pp. ۱۱۳-۱۳۳.
- Sadraei, R. (۲۰۱۲). Description in the poems of Vahid Qazvini, *Literary Aesthetics*, Vol. ۱۳, pp. ۷۷-۹۵.
- Sadraei, R. (۲۰۱۶). Language and structure of lyric poems by Vahid Qazvini, *Research in Literary Criticism and Stylistics*, Vol. ۲۶, pp. ۸۵-۱۰۵.
- Safa, Z. (۱۹۹۹). History of Literature in Iran. Tehran: Ferdos, p. ۱۳۴۷.
- Safavi, K. (۲۰۰۴). From linguistics to literature. Tehran: Sureh Mehr, p. ۴۶۰.
- Shamisa, S. (۱۹۹۳). Generalities of Stylistics. Tehran: Ferdos, p. ۱۵۳.
- Shamloo, V. (۱۹۹۵). Qasas al-Khaqani, edited by Sadat Naseri, H. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, vol. ۲, p. ۷۱.
- Vahid Qazvini, M. Monshaat, Tehran: Manuscript of the Legislative Assembly No. ۲۲۶۰, several pages.

فهرست منابع فارسی

- از زبان‌شناسی به ادبیات، صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، تهران: سوره مهر.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، تهران: فردوس.
- تاریخچه منشآت در ادب فارسی، مهدی‌زاده، مهدی (۱۳۷۸) کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۴، صص ۶۷-۶۴.
- توصیف در قصاید وحید قزوینی، صدرایی، رقیه (۱۳۹۱) زیبایی‌شناسی ادبی، شماره ۱۳، صص ۷۷-۹۵.
- دانشنامه زبان و ادب فارسی، سعادت، اسماعیل (۱۳۹۵) تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۶۷۷-۶۳۷.
- درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، عبادیان، محمود (۱۳۷۲) تهران: آوای نور.
- زبان و ساختار غزلیات وحید قزوینی، صدرایی، رقیه (۱۳۹۵) پژوهشهای نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۲۶، صص ۸۵-۱۰۵.
- سبک‌شناسی مثنوی خلوت راز وحید قزوینی و نوآوریهای ادبی او، راستگوفر، سیدمحمد و سام خانیانی، معصومه (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۱۲، صص ۷۳-۵۳.
- سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روشها (۱۳۹۱) فتوحی، محمود، تهران: سخن.
- سیری در دیوان و سبک قصاید وحید قزوینی، صدرایی، رقیه (۱۳۸۹) پژوهشنامه فرهنگ و ادب، (۱۰) ۶، صص ۱۱۳-۱۳۳.
- فن نثر در ادب فارسی، خطیبی، حسین (۱۳۷۵) تهران: زوآر.
- فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، خان‌بابا (۱۳۴۲) تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، منزوی، احمد (۱۳۶۵)، اسلام‌آباد.

قصص‌الخاقانی، شاملو، ولی‌قلی‌خان (۱۳۷۴) به تصحیح سیدحسن سادات ناصری، جلد ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۲) تهران: فردوس.

لغت‌نامه، دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

منشآت، وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر، تهران: نسخه خطی مجلس شورای ملی به شماره ۲۲۶۰، صفحات متعدد.

معرفی نویسندگان

وحید رزاقی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
(Email: Vahid_razzaghi2002@yahoo.com)

حمیدرضا فرضی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
(Email: hrezafarzi@gmail.com) (نویسنده مسئول)

رستم امانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
(Email: rostam90@ymail.com)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Vahid Razaghi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
(Email: Vahid_razzaghi2002@yahoo.com)

Hamidreza Farzi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
(Email: hrezafarzi@gmail.com) :Responsible author

Rostam Amani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
(Email: rostam90@ymail.com)